

ولایت در آیات و روایات (قسمت دوم / پایانی)

رضا کهساری

چکیده

در قسمت اول این بحث با آیات ولایت و اولی‌الأمر اثبات کردیم که بدون شک پس از پیامبر اکرم(ص)، امیرمؤمنان علی(ع) صاحب اختیار و ولی مؤمنان و مسلمانان است و روایات اهل سنت را که بر این مسأله دلالت دارد، ذکر و پاسخ شبهات برخی از متفکران آنان را بیان نمودیم اینک با آیات و روایات دیگری، بر این جانشینی تأکید می‌ورزیم. معارف

آیه تبلیغ

"يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَ اللَّهُ يُعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ؛ ۱ ای پیامبر، آنچه از پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً "به مردم" برسان، و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از(خطرات احتمالی) مردم نگاه می‌دارد و همانا خداوند جمعیت کافرین را هدایت نمی‌کند."

سؤال این است آن امر خطیری که خداوند پیامبر را به عدم انتظار دعوت می‌نماید و محفوظ ماندن آن حضرت از گزند احتمالی دشمنان را ضمانت می‌کند و هشدار می‌دهد که: اگر این کار را انجام ندهی، رسالت پروردگارت را انجام نداده‌ای، کدام است؟ با وجود آنکه پیامبر در سالهای آخر حیات خویش هیچ بیمی از مشرکین مکه نداشت، زیرا جمعیت آنان متفرق و مکه بزرگترین پایگاه آنان فتح شده بود.

در پاسخ باید گفت: این امر بزرگ(عقلاً و عرفاً) باید مسأله‌ای در حد خود رسالت باشد. و این همان مقام ولایت و رهبری اجتماع بزرگ اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) است. همان امری که دین با آن کامل گشته و نعمت خداوند بر مردم تمام می‌شود و بدون آن، صراط مستقیم هدایت به راههای مختلف گمراهی تبدیل می‌گردد، اصالت و تمامیت دین خدشه‌دار می‌گردد، امت اسلامی به تفرقه و تشتت روی می‌آورد و هواهای نفسانی بر آنان حکم فرما می‌شود.

بحث روایی

به گواهی بسیاری از دانشمندان اهل تسنن و همه کتب معروف امامیه اعم از تفسیر و حدیث و تاریخ آیه فوق در شان علی(ع) نازل شده است.

این روایات را گروه زیادی از صحابه، از جمله "ابو سعید خدری"، "زیدبن ارقم"، "جابر بن عبدالله انصاری"، "ابن عباس"، "برائین عازب"، "حذیفه"، "ابو هریره"، "ابو مسعود" و "عامر بن لیلی" نقل کرده‌اند و گفته‌اند این آیه درباره علی(ع) و واقعه غدیر نازل شده است.

همچنین "حافظ ابونعیم اصفهانی، واحدی نیشابوری، ابن عساکر، فخر رازی، ابواسحاق حموی، جلال الدین سیوطی، قاضی شوکانی، آلوسی و سلیمان قندوزی حنفی" ۳ در کتب خود این احادیث را ذکر کرده‌اند.

علامه امینی حدیث غدیر را از ۱۱۰ نفر از صحابه و یاران پیامبر و همچنین ۸۴ نفر از تابعین و از ۳۶۰ دانشمند معروف اسلامی نقل کرده است. ۳. پس از این گزارش اجمالی از شیعه و اهل تسنن روایاتی را به عنوان نمونه نقل می‌نماییم تا مقصود از "ما انزل الیک" معلوم گردد.

۱. احمد بن حنبل با اسناد خود از براء بن عازب نقل می‌کند که گفت: با رسول خدا بودیم و در غدیر خم فرود آمدیم، و همه برای نماز جماعت دعوت شدند، فرشی برای پیامبر در زیر درخت انداختند آن حضرت نماز ظهر را اقامه کرد و سپس دست علی(ع) را گرفت و فرمود: آیا نمیدانید که من نسبت به مؤمنین از خود آنها سزاوارترم؟ گفتند: آری! فرمود: آیا نمی‌دانید که من نسبت به هر مؤمنی از خود او سزاوارتر هستم؟ گفتند: آری، پس دست علی(ع) را گرفت و فرمود: "هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست، خداوند دوست بدار هر کس که علی را دوست دارد و دشمن باش با هر کس که با علی دشمنی می‌کند"، براء بن عازب گوید: پس از آن "عمر" نزد علی(ع) آمد و گفت: گوارا باد بر تو ای فرزند ابی طالب! صبح کردی و شام کردی در حالی که مولای هر مرد و زن با ایمانی هستی. ۴.

۲. نسائی از زید بن ارقم نقل می‌کند که گفت: هنگامی که پیامبر(ص) از حجه الوداع باز می‌گشت، در غدیر خم فرود آمد و دستور داد کنار درختها جمع شدیم، سپس فرمود: "زود است که دعوت الهی را اجابت کنم و همانا در میان شما دو چیز گرانبها می‌گذارم که یکی از دیگری برتر است، کتاب خدا و عترت و اهل بیت، پس ببینید چگونه در مورد این دو با من رفتار می‌کنید به تحقیق این دو از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در حوض بر من وارد شوند". سپس فرمود: "خداوند مولای من است و من مولای هر مؤمنی هستم" آنگاه دست علی را گرفت و فرمود: "هر که من ولی او هستم پس علی نیز ولی اوست، خدا، دوست بدار هر که دوستش دارد و دشمن بدار هر که با او دشمن است. ابوالطفیل(راوی) گوید: من به زید بن ارقم گفتم: آیا تو این سخن را از خود پیامبر شنیدی؟ گفت، نه تنها من که هیچ کس زیر آن درختها نبود جز اینکه این سخن را با دو گوش خود شنید و پیامبر را با دو چشم خود دید. نسائی در ذیل حدیث تصریح می‌کند که این حدیث از نظر سند صحیح است. ۵.

۳. ابوالجارود می‌گوید امام باقر(ع) فرمود: "وقتی که خدای متعال آیه "یا ایها الرسولُ بَلِّغْ ما اُنزِلَ الیک... " را بر رسول خود نازل فرمود: رسول خدا(ص) دست علی(ع) را در دست گرفته و فرمود: ای مردم: من به نوبه خود مسئولم و شما هم مسئولید، آن روزی که حال مرا از شما بپرسند چه خواهید گفت؟ همگی گفتند: ما شهادت می‌دهیم که تو وظیفه تبلیغی خود را انجام دادی، خداوند بهترین جزائی که به رسولان داده به شما نیز عطا فرماید. آن حضرت فرمود: پروردگارا تو شاهد گواهی‌شان باش و آنگاه خطاب به مردم فرمود: ای گروه مسلمانان که در اینجا حضور دارید! باید غائبین را از ماجرا خبر دهید که من اینک به عموم مسلمین روی زمین و گروندگان به دین اسلام وصیت می‌کنم به "ولایت علی(ع)" آگاه باشید که ولایت علی ولایت من است(و ولایت من ولایت پروردگارم است) و این عهدی است که

خداوند به من سپرده بود و به من دستور داده بود که آن را به شما ابلاغ کنم، آنگاه سه مرتبه فرمود: آیا همه شنیدید؟ عرض کردند: آری شنیدیم یا رسول الله(ص). ۶.

۴. فیض کاشانی(ره) در تفسیر صافی تمام خطبه پیامبر اکرم(ص) در روز غدیر خم را نقل کرده است، پیامبر خدا(ص) در بخشی از این خطبه فرمود: "از جانب پروردگار به من ابلاغ شده که اگر آنچه به من دستور داده شده، به مردم ابلاغ نکنم رسالتش را انجام نداده‌ام" ای مردم من در تبلیغ این امر مهم کوتاهی نکردم، سبب نزول این آیه را برای شما بیان می‌نمایم که بارها جبرئیل بر من وارد شد و پیام پروردگار را به من ابلاغ کرد که در این مکان معین آن پیام را به شما برسانم. صاحب هر نژاد بداند که علی بن ابی طالب(ع) برادر و وصی و جانشین من است. او امام بعد از من است و منزلت او نسبت به من همانند منزلت هارون نسبت به موسی است، جز آنکه بعد از من پیامبری نخواهد بود، سرپرست و ولی شما بعد از خدا و رسول علی(ع) می‌باشد. ۷.

دلالت حدیث غدیر بر خلافت علی(ع)

امامیه کلمه "مولی" را در جمله "من کنت مولاه فعلی مولاه" به معنای صاحب اختیار می‌داند بنابراین این جمله "نص" بر امامت علی(ع) است و نیاز به استدلال ندارد، خصوصاً قرائتی قطعی در دست می‌باشد که با در نظر گرفتن آنها حمل کلمه "مولی" بر هیچ‌یک از معانی دیگر صحیح نیست. با وجود این بسیاری از علمای اهل سنت پس از قبول اصل جریان غدیر و جمله "من کنت مولاه فعلی مولاه" تلاش کرده‌اند کلمه مولی را به معنای "دوست و یار و یاور" تفسیر کنند تا دلالت آن را بر امامت و خلافت بلافصل علی(ع) انکار نمایند.

در پاسخ می‌توان گفت: گر چه یکی از معانی "مولی" دوست و یاور است، این کلمه مشترک در بین چند معناست که حمل آن بر هر یک از معانی مشترک به قرینه نیاز دارد و قرائن متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد کلمه "مولی" در این حدیث به معنای صاحب اختیار است. که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) مساله دوستی علی(ع) با مؤمنان، مطلب پنهان و پیچیده‌ای نبود که نیازمند این همه تاکید و متوقف ساختن آن قافله عظیم در بیابان خشک و سوزان و خطبه خواندن و گرفتن اعتراف‌های پی در پی از جمعیت باشد و یا اینکه پیامبر از افشای آن احساس خطر کند.

ب) جمله "أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ" هیچ تناسبی با بیان یک دوستی ساده ندارد، بلکه می‌خواهد بگوید: همان اولویت و اختیاری که من نسبت به شما دارم و پیشوا و سرپرست شما هستم، برای علی(ع) نیز ثابت است.

ج) تبریک‌هایی که از سوی مردم در این واقعه تاریخی به علی(ع) گفته شد مخصوصاً تبریکی که عمر و ابوبکر به او گفتند، نشان می‌دهد چیزی جز مساله نصب خلافت نبوده است که در خور تبریک و تهنیت باشد؛ زیرا اعلام دوستی که برای همه مسلمانان به طور عموم ثابت است نیازی به تبریک ندارد؛ زیرا هنگامی که پیامبر(ص) بین مؤمنین عقد اخوت بست و علی(ع) را به عنوان برادر خویش انتخاب کرد کسی

به او تبریک نگفت و مسلمانان با این وسعت و اهمیت با آن برخورد نکردند، پس چگونه در روز غدیر به جهت اعلان دوستی این همه به او تبریک گفتند؟ این نشان می‌دهد که مقصود از "مولی" یک دوستی ساده و معمولی نبود، بلکه مقامی بزرگ بود که خداوند به او عنایت کرد و دیگران نیز این مقام و منصب را به علی(ع) تبریک گفتند. به عنوان نمونه:

۱۰. ابراهین عازب پس از نقل جریان غدیر و فرمایش پیامبر(ص) نقل می‌کند که: "عمر نزد علی(ع) آمد و گفت گوارا باد بر تو ای فرزند ابی‌طالب، صبح کردی و شام کردی در حالی که مولای هر مرد و زن با ایمانی هستی." ۸.

۲. عبدالرؤف مناوی در ذیل حدیث غدیر می‌نویسد: وقتی که پیامبر اکرم(ص) در مورد علی(ع) فرمود: "من کنت مولاه فهذا علی مولاه" ابوبکر و عمر شنیدند و به علی گفتند. "امسیت یا بن ابی طالب مولی کل مؤمن و مؤمنه" ای فرزند ابوطالب تو مولای هر مرد و زن با ایمانی گردیدی. و نیز می‌نویسد: "به عمر گفتند: تو رفتاری که با علی(ع) داری، با هیچ یک از صحابه نداری، گفت: چون علی(ع) مولای من است." ۹.

علامه امینی(ره) در الغدیر جریان تبریک عمر و ابوبکر به علی(ع) را از "۶۰" دانشمند معروف اهل سنت نقل کرده است. ۱۰.

د) بسیاری از مفسرین اهل سنت مانند "قُرطُبی، ابوالسعود و علامه مناوی" نقل کرده‌اند که وقتی ماجرای غدیر به گوش حارث بن نعمان رسید، به حضور پیامبر آمد و گفت: ما را به ادای شهادت به یگانگی خداوند و رسالت خودت امر کردی پذیرفتیم و به اقامه نماز و زکات مامور ساختی [انجام دادیم] ولی راضی نشدی تا اینکه پسر عمویت علی را بر ما برتری و فضیلت دادی، آیا خداوند تو را مامور کرد یا از پیش خودت این کار را انجام دادی؟ پیامبر(ص) فرمود: قسم به یگانگی خدا که از طرف خداوند متعال بود. حارث در حالی که از پیامبر روی برگرداند می‌گفت: خدایا اگر انتخاب علی(ع) به امر تو بوده پس سنگی را از آسمان بر ما بفرست، (که ما طاقت دیدن این مسأله را نداریم) پس سنگی از آسمان بر او فرود آمد و او را به هلاکت رساند. ۱۱.

اگر چنانچه مقصود از "مولی" یک دوستی ساده و معمولی بود، چرا حارث بن نعمان نتوانست تحمل کند و از خدای متعال تقاضای عذاب کرد. در صورتی که حارث بارها فضائل دیگر علی(ع) را شنید و لب به اعتراض باز نکرد اما این سرپرستی علی بر مسلمانان آنقدر بر او سنگینی می‌کند که تقاضای عذاب می‌نماید؟ از این قرائن نیز معلوم می‌شود که "مولی" به معنای دوستی و یاور نیست وگرنه چنین حساسیتی در دیگران ایجاد نمی‌کرد.

ه) اخبار و روایات فراوانی از شیعه و سنی وارد شده است که وقتی پیامبر اکرم(ص) علی(ع) را به عنوان مولای مؤمنین معرفی کرد هنوز مردم متفرق نشده بودند که آیه شریفه "الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي" نازل شد و پیامبر اکرم(ص) از روی سرور و شادی تکبیر گفت و خداوند متعال را به اكمال دین و اتمام نعمت و رضایت او به رسالت پیامبر و ولایت علی(ع) حمد و سپاس گفت. این مطلب

نیز به روشنی بیان می‌کند که مقصود از "ولایت" یک دوستی ساده و معمولی نیست؛ زیرا دوستی بدون ولایت دارای چنین شانی نیست که موجب اکمال دین و اتمام نعمت بر مسلمین و یا عدم ابلاغ آن برابر با عدم انجام رسالت باشد .

(و) اکثر کسانی که حدیث غدیر را نقل کرده‌اند، گفته‌اند که پیامبر اکرم(ص) بعد از جمله "من کنت مولاه فعلی مولاه" در حق آن حضرت دعا کرد و فرمود: "اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله" این دعا دلالت می‌کند که آنچه پیامبر گرامی اسلام(ص) در حق علی(ع) فرموده، نیاز به تثبیت و نصرت خداوند دارد و به همین دلیل یاوران او را دعا و دشمنان و بدخواهان آن حضرت را نفرین کرد .

افزون بر این از دعا فهمیده می‌شود، دشمنی با علی(ع) و خوار کردن او در چیزی که خدا اراده کرد، جایز نیست. و کسی حق مخالفت با آن را ندارد؛ زیرا علی(ع) بر امری که مورد غضب خداست، اقدام نمی‌کند، بلکه بر هر امری که اقدام کرد، نصرت و یاری او بر دیگران واجب و مخالفت و دشمنی او حرام خواهد بود، و این نیز دلیلی دیگر بر عصمت آن حضرت است. از قرائتی که ذکر شد معلوم می‌گردد که کلمه "مولی" به معنای صاحب اختیار است و پیامبر خدا در روز غدیر خم علی(ع) را به امر پروردگار متعال به امامت و خلافت منصوب کرده است .

آیه اکمال دین

"الْيَوْمَ بَيَّنَّا لِلدِّينِ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...؛ ۱۲ امروز، کافران از(زوال) آئین شما مایوس شدند، بنابراین از آنها نترسید و از(مخالفت) من بترسید. امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آئین(جاودان) شما پذیرفتم."

فرق کمال و تمام

"تمام" در جایی استعمال می‌شود که اجزای یک چیز باید پشت سر یکدیگر بیاید، وقتی که همه اجزایش مرتب نشده، می‌گوییم ناقص است و وقتی آخرین جزء آن آمد، گفته می‌شود تمام شد .

اما عرب واژه کامل را اینگونه استعمال نمی‌کند. ممکن است شیء هیچ جزء ناقص و ناتمامی نداشته باشد، ولی هنوز کامل نباشد؛ یعنی آن هدف اصلی حاصل نشده باشد. مثلاً یک جنین در رحم مادر به حد تمام می‌رسد یعنی همه ساختمان بدنش تمام می‌شود و به دنیا می‌آید این انسان، انسان تمام است، ولی انسان کامل نیست. یعنی رشد لازم را نکرده و رشد کردن غیر از این است که جزء ناقصی داشته باشد، و در واقع اختلاف کامل و تمام با یکدیگر اختلاف کیفی و کمی است. ۱۳

پس مفهوم "الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي ... " این است که امروز اسلام از هر جهت (اجزا و هدف) به حدی رسیده که نقصی در آن وجود ندارد .

روز یأس کفار و روز اکمال دین در اقوال مفسرین

واژه "الیوم" که دو بار تکرار شده، در بردارنده چهار ویژگی ذیل است:

الف (کفار از دین مسلمانان ناامید شدند؛ ب) خداوند دین اسلام را کامل کرد؛ ج (خداوند نعمتش را به حد نهایی (اتمام) رساند؛ د) خداوند آیین اسلام را به عنوان آیین نهایی مردم جهان پذیرفت.

شکی نیست که چنین روزی در تاریخ زندگی پیامبر(ص) بسیار مهم است و در برخی روایات آمده است که بعضی از یهود و نصارا با شنیدن این آیه گفتند: اگر چنین آیه‌ای در کتب آسمانی ما نقل شده بود، ما آن روز را عید قرار می‌دادیم.

"بزرگان اهل سنت مانند احمدبن حنبل و بخاری و مسلم و ترمذی و... این روایت را از طارق بن شهاب نقل کرده‌اند که عده‌ای از یهودیان به عمر گفتند: شما آیه‌ای را در قرآن تلاوت می‌کنید که اگر بر ما جماعت یهودیان نازل می‌شد ما آن روز را عید می‌گرفتیم." ۱۴

اکنون باید از روی قرائن و نشانه‌ها و تاریخ نزول این آیه و سوره و تاریخ زندگی پیامبر(ص) این مسئله را جستجو کنیم که مقصود از "الیوم" چه روزی است؟

در این باره اقوال مختلف تغییری وجود دارد که به نقل و بررسی آنها می‌پردازیم .

۱۰. روز عرفه

فخر رازی و رشید رضا گفته‌اند، منظور از "الیوم"، "روز عرفه"، در آخرین حج پیامبر(ص) است. ۱۵. همچنین "بخاری" و "سیوطی" روایاتی را در این مورد نقل کرده‌اند. ۱۶

اما این نظریه درست نیست زیرا: اولاً این قول با آیه ابلاغ منافات دارد زیرا آیه ابلاغ در بین راه مکه و مدینه و پس از اتمام حجه الوداع نازل شده است. پس چگونه ممکن است که خداوند دینش را در روز عرفه به کمال برساند و نعمتش را تمام کند و پس از یک هفته به پیامبر(ص) دستور بدهد مطلب مهمی را ابلاغ کند که رسالتش بدون آن ناتمام می‌ماند. ۱۷

ثانیاً: ویژگی‌هایی که در آیه ذکر شده یعنی یأس کفار، اکمال دین، اتمام نعمت و رضایت به دین اسلام بر روز عرفه تطبیق نمی‌کند، چون در این روز حادثه خاصی که موجب این آثار بشود اتفاق نیفتاده است؛ زیرا اگر منظور از حادثه، اجتماع گسترده مسلمانان باشد که قبل از روز

عرفه نیز مسلمانان در مکه در خدمت پیامبر اکرم(ص) بوده اند پس چرا آن روز این آیه نازل نشد و اگر منظور نزول احکامی است که در این آیه ذکر شده، این احکام چندان برای کفار وحشتناک نبود که موجب یاس آنان شود. و اگر مراد از یاس از دین این است که مشرکان قریش از تسلط و غلبه بر دین مسلمانان مایوس شدند، این هم در روز فتح مکه - سال هشتم - اتفاق افتاد نه در روز عرفه سال دهم. ۱۸

۲۰. روز بعثت

صاحب المنار آورده است که: مقصود از (الیوم) روز (بعثت) است. ۱۹

آشکارا می بینیم که این احتمال مردود است؛ زیرا عرب قبل از اسلام که دینی نداشت تا کسی در آن طمع کند و با ظهور اسلام و اعلام بعثت از آن مایوس گردد. پس باید این روز بعد از اسلام باشد که دینی در بین مردم انتشار یافته و موقعیتی برای طمع کفار به وجود آمده باشد.

همچنین این سوره در حجه الوداع در سال دهم نازل شده است و با روز بعثت اصلاً ناسازگار است. ۲۰ همچنین تعبیر "أَكْمَلْتُ" با اواخر نزول قرآن و حیات پیامبر(ص) (مناسبت دارد نه با اوایل بعثت؛ چون در آن روز اسلام شروع شد پس چگونه ممکن است در همان روز نیز کامل شده باشد؟

۳۰. روز فتح مکه

بعضی احتمال داده اند مقصود از "الیوم" روز فتح مکه است این احتمال را قرطبی از ضحاک و مجاهد نقل کرده است. ۲۱ این احتمال نیز قابل قبول نیست؛ زیرا با فتح مکه - که در سال هشتم هجری اتفاق افتاد - هنوز دین کامل نشده بود، واجبات زیادی بعد از فتح مکه نازل شد و حلال ها و محرمات زیادی در فاصله بین فتح مکه و رحلت پیامبر(ص) تشریح شد .

۴۰. روز غدیر خم

قول دیگری که بعضی از مفسران اهل سنت ۲۲ و همه مفسرین امامیه گفته اند و روایات متعددی نیز آن را تایید می کند این است که منظور از "الیوم" روز غدیر خم است علامه طباطبائی(ره) می نویسد: جمله "أَلْيَوْمَ يَسَّ الْأَذِينَ كَفَرُوا ... " دلالت دارد که کفار در دین مسلمانان طمع داشتند و امیدوار بودند که پس از مدتی به نحوی از بین برود، این طمع و امید اسلام را هر زمان تهدید می کرد. لذا مسلمانان حق داشتند و به جا بود که از این مطلب بترسند و خوف داشته باشند. پس جمله "وَلَا تَخْشَوْهُمْ" از طرف خداوند سبحان مؤمنین را از آن خطری که متوجه آنان بود و ترس داشتند، امان می دهد. خداوند می فرماید: "طایفه ای از اهل کتاب "یهود" دوست داشتند و آرزو می کردند شما را گمراه کنند" ۲۳ و باز می فرماید :

"بسیاری از اهل کتاب از روی حسد آرزومی کردند شما را بعد از اسلام و ایمان به حال کفر باز گردانند با اینکه حق برای آنها کاملاً روشن شده است، شما آنها را عفو کنید و گذشت نمایید تا خداوند فرمان خودش "جهاد" را بفرستد، خداوند بر هر چیزی تواناست" ۲۴ .

آخرین چیزی که کفار امیدوار بودند، این بود که فکر می کردند به زودی دین با وفات پیامبر(ص) - که فرزند ذکوری در پی ندارد - می میرد؛ زیرا آنها نبوت و رسالت را همانند پادشاهی و سلطنت می دانستند که نام و نشانشان با مرگ خودشان از بین می رفت و در خاک دفن می شد. از مطالب گذشته معلوم می شود که تمام ناامیدی کفار هنگامی محقق می شود که خدا برای این دین کسی را منصوب کند که در پاسداری و تدبیر امر دین و ارشاد و هدایت کردن امتی که بر اثر همین دین سر پا ایستاده است، قائم مقام پیغمبر(ص) باشد. نتیجه این امر، ناامیدی کفار از دین مسلمانان است، زیرا مشاهده می کردند که دین فقط از این مرحله ای که مسئولیتش بر عهده یک نفر است، خارج شده و به مرحله ای رسیده که "حامل نوعی" دارد و این کامل ساختن دین است که دین را از حالت حدوث و زوال پذیر بودن، به حالت دوام و بقا درمی آورد و این تمام کردن نعمت دین است.

این تحلیل مؤید روایاتی است که می گوید، این آیه در روز غدیر خم، روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجری در جریان ولایت علی(ع) نازل شده و بدین ترتیب، "الْيَوْمَ يَسُّ الَّذِينَ كَفَرُوا ... وَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ ... " واضح ترین ارتباط را با هم پیدا می کند و هیچ یک از اشکالات پیشگفته، بر این نظریه وارد نخواهد بود. ۲۵

بسیاری از مفسران اهل سنت مانند: فخر رازی / رشید رضا / آلوسی ذیل آیه مورد بحث، نقل کرده اند که پیامبر اکرم(ص) بعد از نزول این آیه بیش از هشتاد و یک روز عمر نکرد. ۲۶

با توجه به اینکه وفات پیامبر(ص) در روایات اهل تسنن روز دوازدهم ربیع الاول بوده نتیجه می گیریم که روز نزول آیه درست روز هجدهم ذی الحجه بوده است. ۲۷

بحث روایی

در روایات فراوانی که از طرق اهل سنت و شیعه نقل شده، صریحاً آمده است که آیه شریفه اکمال دین، در روز غدیر خم در جریان انتصاب علی(ع) به عنوان جانشین پیامبر(ص) نازل شده است .

۱۰. ابوسعید خدری می گوید: پیامبر اکرم(ص) مردم را به سوی علی دعوت کرد و سپس دست علی(ع) را گرفت و بلند کرد، سپس علی و پیامبر از یکدیگر جدا نشدند تا آیه "الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي" نازل شد .

رسول خدا(ص) فرمود: الله اکبر بر کامل شدن دین و اتمام نعمت و خشنودی خداوند از رسالت من و ولایت علی(ع) سپس خطاب به مردم فرمود: هر کس من مولای اویم علی(ع) نیز مولای اوست. ۲۸

۲. ابن کثیر در ذیل آیه مورد بحث می‌نویسد: ابن مردویه از طریق ابوهارون عبدی و او از ابو سعید خدری نقل می‌کند که آیه "الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ ... " در روز غدیر خم بر پیامبر اکرم(ص) نازل شد هنگامی که رسول خدا(ص) در مورد علی(ع) فرمود: "من كنت مولاه فعلى مولاه" ۲۹

۳. امام صادق(ع) از پدرش امام باقر(ع) و او از پدرانش و آنها از پیامبر خدا(ص) نقل می‌کنند که پیامبر اکرم(ص) فرمود: "روز غدیر خم با فضیلت‌ترین اعیاد ملت من است، زیرا در آن روز خداوند مرا امر کرد که برادرم علی بن ابی طالب را به عنوان راهنمای امت نصب نمایم که بعد از من به وسیله او هدایت شوند. روز غدیر خم روزی است که خداوند دین را کامل و نعمت را برامتم تمام نمود و برای آنها دین اسلام را پسندید و اختیار کرد" ۳۰.

۴. زراره و فضیل بن یسار و بکیر بن اعین و محمد بن مسلم و برید بن معاویه همگی گفته اند که امام باقر(ع) فرمود: (هر واجبی بعد از واجب دیگر نازل می‌شد ولایت و جانشینی پیامبر(ص) آخرین واجبی بود که نازل شد از این رو خداوند این آیه را نازل فرمود که: "الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي" امام باقر(ع) فرمود: خداوند متعال می‌فرماید: "بعد از فریضه ولایت واجبی بر شما نازل نمی‌کنم، چون فرائض را برای شما به کمال رساندم" ۳۱.

آیه صادقین

"يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ" ۳۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با راستگویان باشید."

صدق در لغت

راغب می‌گوید: صدق و کذب هر دو در مرحله اول مربوط به گفتار است که عبارتست از مطابق بودن و یا مطابق نبودن خبر با واقع که در صورت اول صدق و در صورت دوم کذب نامیده می‌شود. ولی مجازاً شامل غیر خبر(مانند: امر، استفهام، دعا و ...) و افعال نیز می‌شود و سپس نتیجه می‌گیرد که صدق به معنای وسیع مجازی آن عبارتست از گفتاری که مطابق با ضمیر گوینده و واقع باشد. ۳۳

با توجه به آیات قرآن "صادقین" کسانی هستند که تعهدات خود را در برابر ایمان به پروردگار به خوبی انجام می‌دهند، نه تردیدی به خود راه می‌دهند، نه عقب نشینی می‌کنند و نه از انبوه مشکلات می‌هراسند، بلکه با انواع فداکاری‌ها، صدق ایمان خود را ثابت می‌کنند. شکی نیست که این صفات مراتبی دارد، بعضی ممکن است در قله آن قرار گرفته باشند که ما آنان را معصوم می‌نامیم و بعضی در مراحل پائین تر. ۳۴

مقصود از صادقین و همراهی با آنان

مفهوم صادقین مفهوم وسیعی است و شامل بسیاری از مؤمنین می‌شود؛ ولی چون در این آیه به طور مطلق فرموده همراه با آنان باشید و از آنها پیروی کنید، دایره صادقین محدود خواهد بود و فقط گروه خاصی را شامل خواهد شد زیرا؛ اولاً در آیه شریفه دستور داده "كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ" "همراه با صادقین باشید". اگر مقصود مفهوم وسیع صادقین باشد و همه مؤمنان راستین و با استقامت را شامل گردد، باید گفته شود "كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ" از صادقین باشید. به تعبیر دیگر: اینکه در آیه فرمود "همراه با صادقین باشید" مقصود این است که در گفتار و کردارتان از صادقین پیروی کنید و این غیر از این است که بفرماید شما نیز مانند صادقین متصف به وصف صدق باشید. ۳۵

ثانیاً آیه شریفه به طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی دستور می‌دهد که همراه با صادقین باشید اطلاق این دستور روشن می‌سازد مقصود از صادقین باید کسانی باشند که خطا در گفتار و کردار ندارند. زیرا اگر خطاکار باشند و آیه به طور مطلق به پیروی از آنها دعوت کند، حتی زمانی که فعل خطا انجام می‌دهند، موجب اجتماع امر و نهی در یک شیء و در یک زمان می‌شود و این از خداوند حکیم محال است .

نظر فخر رازی

فخر رازی می‌گوید: "آیه دلالت می‌کند بر اینکه شخص جایز الخطا، واجب است به کسی اقتدا کند که معصوم است و معصومین کسانی هستند که خداوند متعال آنان را "صادقین" دانسته است. پس این آیه دلالت می‌کند بر اینکه افراد جایز الخطا واجب است که از معصومین فاصله نگیرند، تا آنان مانع خطای آنها شوند. و این معنا در هر زمانی ثابت است، بنابراین در هر زمانی باید معصومی وجود داشته باشد."

سپس می‌گوید: "ما اعتراف می‌کنیم که در هر زمانی باید معصومی باشد؛ ولی می‌گوییم معصوم مجموع امتند در حالی که شما(امامیه) می‌گویید: معصوم تنها یکی است. ولی قول دوم(قول امامیه) باطل است؛ زیرا خداوند بر هر یک از مؤمنین واجب کرده است که با صادقین باشند و این در صورتی برای آنها ممکن است که بدانند آن صادق کیست نه در هنگامی که جاهل به صادق باشند که در صورت جهل اگر باز هم مکلف باشند که با صادقین باشند، تکلیف مالایطاق خواهد بود. و تکلیف مالایطاق جایز نیست لکن ما شخص معینی که متصف به وصف عصمت باشد نمی‌شناسیم و ضرورتاً می‌دانیم که آگاهی و شناختی از چنین انسانی نداریم. پس(با این بیان) ثابت شد که امر(كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ)، امر به پیروی از شخص معین(معصوم) نیست و چون این قول باطل شد باقی می‌ماند که مقصود از امر این است که با مجموع امت باشید و این دلالت می‌کند که قول مجموع امت حق و صواب است، این است معنای حجیت اجماع." ۳۶

ارزیابی دیدگاه فخر رازی

فخر رازی با توجه به مضمون روشن آیه، نتوانسته است دلالت آن را بر وجود معصوم در هر عصر و زمانی انکار کند ولی برای اینکه عقیده پیروان مکتب اهل بیت(ع) (را نپذیرد، سخن از معصوم بودن جمیع امت(اجماع) به میان آورده است. نظر فخر رازی به چند دلیل باطل است .

دلیل اول: مسائل اجماعی که جمیع امت در آن اتفاق نظر دارند، مسائل محدودی است و حال آنکه همراه با صادقین بودن وظیفه‌ای عام، در همه جا و در همه چیز است، پس چگونه مؤمنین می‌توانند در مسائلی که امت اجماع ندارند با آنها باشند؟

به عبارت دیگر: اگر مسلمین فقط در مسائل اجماعی وظیفه دارند با صادقین (مجموع امت) باشند، تکلیفشان نسبت به مسائل غیر اجماعی چه می‌شود؟ و از چه کسانی پیروی کنند؟

افزون بر این، دستور آیه مطلق است و مقید به مسائل اجماعی و غیر آن نمی‌باشد چون فرموده است: "از صادقین پیروی کنید."

دلیل دوم: هیچ عرب زبانی به هنگام نزول این آیه از کلمه "صادقین" مجموع امت را استنباط و فهم نکرد. ۳۷ پس چگونه می‌توان آن را بر این معنا حمل کرد؟ به تعبیر دیگر: حمل صادقین بر مجموع امت خلاف ظاهر آیه است؛ زیرا ظاهر این کلمه، مجموع امت را نمی‌فهماند.

دلیل سوم: اگر منظور از "صادقین" مجموع امت باشد، اتحاد تابع و متبوع لازم می‌آید، در حالی که ظاهر آیه این است که پیروان از پیشوایان و تابعان از متبوعان جدا هستند. ۳۸

دلیل چهارم: چگونه می‌گویید ما نسبت به شخص معصوم علم نداریم و حال اینکه ذیل آیه تطهیر گفتید: "علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) جزء اهل بیت و معصومانند." ۳۹ آیا در این صورت باز هم نسبت به شناخت معصوم جاهل هستید؟ بنابراین با توجه به ادله‌ای که ذکر شد، بهتر است که اعتراف کنیم در هر عصر و زمانی صادقی که هیچ خطا و خلاف و اشتباهی در سخنان و کردار او نیست، وجود دارد و ما باید پیرو آنها باشیم که مسلماً این صفات بر احدی غیر از ائمه (ع) منطبق نخواهد بود.

بحث روائی:

۱. ابو صالح از ابن عباس نقل می‌کند که او گفت: آیه شریفه "اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ" تنها در مورد علی ابن ابی طالب نازل شده است. ۴۰

۲. ابان بن تغلب از امام باقر (ع) در مورد آیه شریفه "پرهیزگار باشید و همراه با صادقین باشید" نقل می‌کند که فرمود: یعنی با علی بن ابی طالب باشید. ۴۱

۳. مالک بن انس از نافع و او از عبدالله بن عمر در مورد آیه "اتَّقُوا اللَّهَ" نقل می‌کند که: خداوند همه اصحاب محمد (ص) را امر کرد که از (مخالفت با) خدا بترسند سپس به اصحاب گفت: "همراه با راستگویان باشید" یعنی با محمد (ص) و اهل بیتش باشید (یعنی از آنها پیروی کنید). ۴۲

۴. سلیم بن قیس هلالی نقل می‌کند که روزی امیرمؤمنان (ع) با جمعی از مسلمانان گفتگو داشت از جمله فرمود: شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا می‌دانید هنگامی که خداوند آیه شریفه "يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ" را نازل کرد. سلمان به رسول خدا

گفت: ای رسول خدا آیا منظور از آن عام است یا خاص؟ پیامبر(ص) فرمود: مامورین به این دستور همه مؤمنانند و اما عنوان صادقین مخصوص برادر علی(ع) و اوصیای بعد از او تا روز قیامت است؛ حاضرین در پاسخ گفتند: آری این سخن را از پیامبر(ص) شنیدیم. ۴۳

۵. جابر از امام باقر(ع) در مورد آیه شریفه "یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین" نقل می‌کند که امام فرمود: "یعنی با علی بن ابی طالب باشید." ۴۴

۶. تفسیر برهان از کتاب نهج البیان نقل می‌کند که از پیامبر(ص) درباره صادقین سوال شد، فرمود: "آنها علی و فاطمه و حسن و حسین(ع) و فرزندان معصوم آنها هستند تا روز قیامت." ۴۵

۷. ابن نصر می‌گوید از امام رضا(ع) در مورد آیه شریفه "یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین" سوال کردم فرمود: "صادقین ائمه(ع) هستند که با اطاعت و پیروی از آنها، می‌توان با آنها بود." ۴۶

بیان احقاق الحق در اثبات خلافت علی

در پایان به عنوان نتیجه بحث، استدلال صاحب احقاق الحق برای اثبات امامت علی(ع) نقل می‌گردد.

مقدمه اول: از اینکه خداوند امر کرده است "از صادقین متابعت کنید" معلوم می‌شود که صادقین معصومانند؛ زیرا امر به متابعت غیر معصوم به نحو اطلاق قبیح است و از خداوند قبیح صادر نمی‌شود .

مقدمه دوم: در بین اصحاب پیامبر اکرم(ص) غیر از علی(ع) کسی معصوم نبود و احدی هم برای غیر آن حضرت ادعای عصمت نکرده است و این مطلب نیز واضح است.

نتیجه اینکه همه مکلف هستند که از معصوم متابعت کنند و چون معصوم به غیر از علی(ع) در بین اصحاب وجود ندارد، پس همه وظیفه دارند که از آن حضرت متابعت و پیروی نمایند. و بدین ترتیب امامت بلافصل آن حضرت با آیه صادقین اثبات می‌شود. ۴۷

سوتیتر قسمت دوم:

اخبار و روایات فراوانی از شیعه و سنی وارد شده است که وقتی پیامبر اکرم(ص) علی(ع) را به عنوان مولای مؤمنین معرفی کرد هنوز مردم متفرق نشده بودند که آیه شریفه "الْیَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي" نازل شد و پیامبر اکرم(ص) از روی سرور و شادی تکبیر گفت و خداوند متعال را به اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت او به رسالت پیامبر و ولایت علی(ع) حمد و سپاس گفت. این مطلب نیز به روشنی بیان می‌کند که مقصود از "ولایت" یک دوستی ساده و معمولی نیست.

واژه "اليوم" که دو بار تکرار شده، در بردارنده چهار ویژگی ذیل است:

الف (کفار از دین مسلمانان ناامید شدند؛ ب) خداوند دین اسلام را کامل کرد؛ ج) خداوند نعمتش را به حد نهایی (اتمام) رساند؛ د) خداوند آیین اسلام را به عنوان آیین نهایی مردم جهان پذیرفت.

شکی نیست که چنین روزی در تاریخ زندگی پیامبر(ص) بسیار مهم است و در برخی روایات آمده است که بعضی از یهود و نصارا با شنیدن این آیه گفتند: اگر چنین آیه‌ای در کتب آسمانی ما نقل شده بود، ما آن روز را عید قرار می‌دادیم.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مائده/۶۷ .
۲. منازل من القرآن فی علی(ع)؛ ۸۶؛ اسباب النزول، ص ۱۳۵؛ ترجمه الامام علی بن ابی طالب، ۲/ص ۳۵؛ التفسیر الکبیر، ۴۹/۱۲؛ فرائد السمطین، ۶۲/۱؛ الدر المنثور، ۲۹/۲؛ فتح القدر، ۵۷/۲؛ روح المعانی، ۱۹۴/۶؛ ینابیح الموده، ۳۰.
۳. الغدير، ۱/۱ به بعد
۴. مسند احمد، ۲۸۱/۴؛ کنز العمال، ۱۳۳/۱۳؛ فضائل الخمسه من الصحاح الستة، ۳۵۰/۱.
۵. الخصائص نسائی. باب ۲۷، ص ۹۶.
۶. تفسیر عیاشی، ۳۳۴/۱ حدیث ۱۵۵؛ المیزان، ۵۴/۶.
۷. تفسیر الصافی، ۵۷/۲.
۸. مسند احمد، ۲۸۱/۴.
۹. فیض القدر ۲۱۸/۶، ذیل حدیث ۹۰۰۰.
۱۰. الغدير، ۲۷۲/۱.
۱۱. تفسیر قرطبی، ۱۸۱/۱۸؛ تفسیر ابی السعود، ۲۹/۲؛ فیض القدر، ۲۱۸/۶.
۱۲. مائده/۳.
۱۳. امامت و رهبری، ۱۲۰.
۱۴. المنار، ۱۵۵/۶.
۱۵. التفسیر الکبیر، ۱۳۷/۱۱؛ المنار، ۱۵۵/۶.
۱۶. صحیح البخاری، ۱۲۳/۳؛ الدر المنثور، ۲۵۸/۲.
۱۷. همراه با راستگویان، ۱۲۱-۱۲۶ (با تلخیص)
۱۸. المیزان، ۲۶۴/۵. تفسیر نمونه، ۲۶۴/۴ (تلخیص)

۱۹. المنار، ۱۵۷/۴
۲۰. خلافت و ولایت، ۷۶.
۲۱. الجامع لاحکام القرآن، ۶۱/۶ و ۶۰؛ روح المعانی، ۶۰/۶
۲۲. مانند: ابن کثیر تفسیر القرآن العظیم، ۱۵/۲، آلوسی، در روح المعانی، ۶۱/۶.
۲۳. آل عمران / ۶۹
۲۴. بقره / ۱۰۹
۲۵. المیزان، ۲۷۴/۵-۲۷۰
۲۶. التفسیر الکبیر، ۱۳۹/۱۱؛ المنار، ۱۵۴/۶؛ روح المعانی، ۶۰/۶.
۲۷. تفسیر نمونه، ۲۶۵/۴ البته این در صورتی است که روز وفات پیامبر(ص) و خود روز غدیر را محاسبه نکنیم و در سه ماه پشت سر هم دو ماه را ۲۹ روز بگیریم که این موضوع کاملاً امکان پذیر است و با توجه به اینکه در روزهای قبل و بعد از روز غدیر حادثه مهمی در تاریخ اسلام رخ نداده است که تاریخ فوق قابل تطبیق بر آن باشد مسلم می‌شود که منظور از آن جز روز غدیر نیست.
۲۸. شواهد التنزیل، ۲۰۲/۱ روح المعانی، ۶۱/۶؛ ینابیع الموده، ۱۱۵ (با مختصر تفاوت)
۲۹. تفسیر القرآن العظیم، ۶۱/۲
۳۰. امالی صدوق، ۱۰۹ و نور الثقلین، ۵۸۹/۱ حدیث ۲۹ .
۳۱. نور الثقلین ۵۸۷/۱۰، حدیث ۲۵
۳۲. توبه ۱۱۹/۹
۳۳. المفردات، ۲۷۷ ماده "صدق".
۳۴. تفسیر نمونه، ۱۸۰/۸-۱۷۹ (تلخیص)
۳۵. المیزان، ۶۳۹/۹ (تلخیص).
۳۶. التفسیر الکبیر، ۲۲۱/۱۶
۳۷. می‌توانید آثار گذشتگان از کتب تفسیری و روائی را بررسی کنید که حتی غالب مفسرین اهل سنت از کنار این آیه با سکوت گذشته‌اند در صورتی که اگر دلالت آیه بر مجموع امت واضح بود چه داعی داشتند که بر حجیت اجماع که اساس مکتبشان را بر آن بنا نهاده‌اند استدلال نکنند یا حداقل اشاره‌ای به آن داشته باشند؟
۳۸. تفسیر نمونه، ۱۸۳/۸ و پیام قرآن ۵۱/۹-۵۰ "تلخیص".
۳۹. التفسیر الکبیر، ۲۰۹/۲۵.
۴۰. شواهد التنزیل، ۳۴۲/۱، حدیث ۳۵۱.

۴۱. همان، ۳۴۴/۱ حدیث ۳۵۵؛ شبیه همین معنا را خوارزمی در المناقب، ص ۱۸۹ و جوینی در فرائد السمطين، ص ۹۱؛ سیوطی در الدر المنثور ج ۳، ص ۲۹۰، نقل کرده‌اند
۴۲. شواهد التنزیل ۳۴۵/۱، حدیث ۳۵۷.
۴۳. ینایع الموده، ۱۱۵ و تفسیر برهان ۱۷۰/۲
۴۴. نورالتقلین ۲۸۱/۲، حدیث ۳۹۹.
۴۵. البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۷۰/۲، ح ۱۶.
۴۶. همان ۱۷۰/۲.
۴۷. احقاق الحق، ۳۰۱/۳، (تلخیص).